ادامه از صفحه اول

غزه و قوانین جنگ

خلاصه اینکه امروزه جنگ و آدمکشی هم حساب و کتابی دارد که دولت‌ها و کشورهای متمدن (یا مدعی تمدن) باید آن را رعایت کنند.

اصول شش‌گانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی: قراردادهای ژنو و پروتکل‌های الحاقی مشتمل بر قریب ۶۰۰ ماده و مبتنی بر شش اصل اساسی هستند: اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض، اصل ضرورت نظامی، اصل محدودیت، اصل تفکیک، اصل تناسب و اصل حسن‌نیت[۸]. در این مختصر مجال ورود به مواد قراردادها و پروتکل‌ها را نداریم و صرفا کوشش می‌کنیم مواردی را که در قسمت واقعیت‌ها و امور موضوعی برشمردیم در این اصول جست‌وجو و بر آنها منطبق کنیم.

۱- اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض

منظور این است که باید با همه انسان‌ها رفتاری انسانی و بدون هرگونه تبعیض ناشی از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب یا عقاید سیاسی صورت گیرد.

این اصل قابل بحث فراوان است اما چون قضیه به آغاز اشغال فلسطین برخواهد گشت که فعلا موضوع بحث ما نیست، از آن درمی‌گذریم.

۲- اصل ضرورت نظامی

هرفعالیت‌نظامی‌بایدبراساس‌دلایل‌نظامی‌توجیه‌شده باشد. فعالیتی که فاقد ضرورت نظامی باشد ممنوع است. یعنی حمله به غیرنظامیان ممنوع است چون با این کار هیچ مزیت نظامی‌ای به دست نمی‌آید. آیا در عملیات اسراییل علیه غزه این اصل رعایت شده است و آیا حل بنیادی مساله فلسطین و رسیدن به صلح پایدار ضرورتا بدون اقدام نظامی ممکن نبوده و نیست؟ پاسخ این پرسش را باید اهل سیاست در سراسر جهان از جمله اسراییل به فلسطین بدهند. اما در این خصوص یک دلیل نقضی را می‌توان مطرح کرد. آیا تاکنون اقدامات نظامی اسراییل با همه شدت و حدت و بی‌رحمی تاثیری داشته است. و اگر نداشته توجیه تکرار این فجایع چیست؟

۳- اصل محدودیت

استفاده از سلاح‌هایی که آسیب‌های غیرضروری یا جراحات بیش از حد لزوم وارد کنند ممنوع است. در این درگیری‌ها اسراییل به‌طور همزمان از آتش توپخانه، بمباران هوایی، آتش قایق‌های توپدار و آتش تانک‌ها استفاده می‌کند، آن‌هم علیه افرادی که حداقل بنده، تا این زمان در ایستگاه‌های مختلف تلویزیونی (و نه رسانه‌های طرفدار حماس) فردی را که لباس نظامی پوشیده باشد در میان آنها ندیدم. به نظر می‌رسد اسراییل هیچ محدودیتی برای اعمال خود قایل نیست. البته از گفته‌های نخست‌وزیر اسراییل نیز - که بارها تکرار شده - همین عدم محدودیت استنباط می‌شود.

عرف بین‌المللی اقدامات و تهدیدهای خشونت‌آمیزی را که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد ممنوع اعلام کرده است و گلوله‌باران‌های وسیع و بمباران‌های منظم شهرها و کشتارجمعی از مصادیق اینگونه اقدامات محسوب می‌شود. حجم آتشی که اسراییل به کار گرفته است، صرفا دست‌یازیدن به حرکات «غیرضروری» به قصد اخافه و ترساندن غیرنظامیان می‌تواند تلقی شود.

۴-اصل تفکیک

در عملیات نظامی باید بین افراد و اموال نظامی و غیرنظامی تفکیک صورت گیرد. حمله به افراد و اموال غیرنظامی ممنوع است. لاجرم نتیجه این تفکیک این خواهد بود که از غیرنظامیان و اموالشان حمایت لازم به عمل آید. در ماده ۵۰ (۱) پروتکل اول الحاقی ژنو مقرر شده «در موارد تردید درخصوص غیرنظامی‌بودن یا نبودن اشخاص باید آنها را غیرنظامی محسوب کرد.» و قاعده این است که «غیرنظامیان در مقابل حملات حمایت شوند مگر زمانی که مستقیما در درگیری شرکت کنند و طرف‌های درگیری باید در همه حالات بین اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک و تمایز قایل شوند و حمله نباید علیه اموال غیرنظامی باشد.» شورای امنیت سازمان‌ملل در موارد عدیده حمله علیه غیرنظامیان را در درگیری‌های بین‌المللی و غیربین‌المللی محکوم و خاتمه حملات را درخواست کرده است. این موضوع در افغانستان، آنگولا، آذربایجان، بروندی، گرجستان، لبنان، لیبریا، روآندا، سیرالئون، سومالی، تاجیکستان، یوگسلاوی سابق و سرزمین‌های اشغال‌شده به‌وسیله اسراییل سابقه داشته است. اما ظاهرا در مورد اخیر، این نحوه عمل- باوجود بی‌نتیجه‌بودنش- برای اسراییل به صورت «روش جاری» درآمده است. اموال و اهداف نظامی، آن اموالی هستند که سهم موثری در عملیات نظامی دارند و انهدام جزیی یا کلی یا تسخیر یا بی‌اثرسازی آنها در اوضاع و احوال مربوطه مزیت قطعی نظامی دربرداشته باشد. با توجه به این مقررات و اطلاعاتی که در مورد وضعیت غزه منتشر می‌شود، به‌نظر می‌رسد که اصل «تفکیک» کاملا نادیده گرفته شده و ظاهرا هدف اسراییل این است که قسمت‌هایی از غزه را کاملا با خاک یکسان و ابنیه و ساکنان را کلا نابود کند و در این میان نه‌تنها تفاوت و تفکیکی بین نظامیان و غیرنظامیان قایل نیست بلکه کودکان، زنان و کهنسالان نیز در نظر مهاجمان یکسان محسوب می‌شوند. نکته مهم اینکه طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ICC حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی، که نقش مستقیمی در درگیری ندارند، در حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی جنایت جنگی محسوب شده است. وزیر امور خارجه ایالات‌متحده‌آمریکا در اعلامیه مطبوعاتی‌ای که در ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۷ در زمان جنگ چین و ژاپن صادر کرد، گفته است: «دولت آمریکا معتقد است، همان‌طور که در یادداشت ۲۲ سپتامبر به اطلاع دولت ژاپن رسانده است، هر نوع بمباران کلی مناطقی که در آنجا مردم غیرنظامی بسیار یافت شوند، مخالف اصول حقوق بین‌الملل و بشر می‌باشد.»[۹] [فتأمل!]

ادامه در صفحه ۶

هفت‌خوان جذب سرمایه خارجی

فرشید خاموشی

ادامه از صفحه ۴

یعنی شما معتقدید توافق ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای راه ورود بزرگان سرمایه‌گذاری در ایران را هموار می‌کند؟

همان‌طور که اشاره کردم مکالمات و رایزنی‌هایی که با عمده سرمایه‌گذاران داشته‌ام، بیانگر این است که آنها منتظر توافق احتمالی ایران و غرب هستند و در صورت وقوع آن باید شاهد حضور چشمگیر سرمایه‌گذاران خارجی در کشور باشیم. آنها به‌خوبی می‌دانند که ایران کشوری است با ظرفیت بالای سرمایه‌گذاری و نمی‌توان از بازاری که ۲۰درصد سود سرمایه‌گذاری دارد به‌راحتی چشم‌پوشی کرد.

این نوع نگاه به بازار ایران را برای بزرگان سرمایه یکسان می‌دانید؟

به نظر من شدنی است و حتی این افراد بدشان نمی‌آید که برای سرمایه‌گذاری به ایران بیایند، مثلا برادر آقای پیرمراد امیدیار چندسال پیش برای مطالعه روی یک پروژه سرمایه‌گذاری در کیش به ایران آمده بود. ایشان از جمله سرمایه‌گذاران بزرگ ایرانی است که طبق آخرین برآوردها میزان دارایی وی بالغ بر ۵۲میلیارددلار است. اگر وی تنها ۱۰درصد دارایی‌های خود را به ایران بیاورد، قادر است سه‌شرکت بزرگ نفتی و پتروشیمی ایران را خریداری کند. آقای ایروانی نیز که بنیانگذار کفش ملی و از کارآفرینان موفق مقیم خارج است، چندسال پیش به ایران آمده بود و تا آنجا که خبر دارم قصد سرمایه‌گذاری مجدد در کشور را هم داشت. اما در وهله اول باید عرق ملی را نزد ایرانیان خارج از کشور بالا برد. متاسفانه به نظر می‌رسد این شاخصه، جدی گرفته نشده است.

در حالی که تاریخ سرزمین ایران نشانه‌های متعددی از اوج باور و عرق ملی در خود دارد. به خاطر دارم در زمان کودکی، کشور دچار رکود شدید اقتصادی شده بود و دولت مرحوم مصدق به سختی از پس امور کشورداری برمی‌آمد. تا اینکه مرحوم مصدق در یک فراخوان اعلام کرد دولت او، برای نجات اقتصاد کشور قصد دارد اوراق قرضه چاپ کند و از مردم تقاضا کرد این اوراق را خریداری کنند. فردای همان روز، درخواست مصدق چنان در دل پدران و مادران ایرانی جای گرفت که حتی فرزندان در هر خانه قلک‌های خود را شکستند تا بزرگ‌ترها بتوانند اوراق قرضه را خریداری کنند.

به نظر می‌رسد علاقه و تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به ایران نیمی از ماجرا باشد و بخش دیگر آن به برخوردها و رفتارهایی برمی‌گردد که با طبقه سرمایه‌دار و کارآفرین در ایران می‌شود. آیا بسترها برای پذیرش سرمایه‌گذاران در ایران چه نزد عوام و چه مسوولان فراهم است؟

خوشبختانه تا حدود زیادی نگرش‌ها نسبت به جامعه سرمایه‌دار و سرمایه‌گذاران در ایران تغییر کرده است. حال آنکه در دهه‌های گذشته و حتی تا چندسال اخیر این بخش از جامعه مورد هجمه زیادی قرار می‌گرفتند. نمی‌توانم بگویم موج تخریب علیه سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در حال حاضر از بین رفته است، اما شاهد شرایط بهتری هستیم.

هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم در اوایل انقلاب، طرفداران چپ روی خودرو شخصی‌ام با اسپری رنگی نوشته بودند: «مرگ بر سرمایه‌دار، حزب کمونیست اختیاریه!» و مجبور بودم برای مدتی با همان خودرو به «اتاق ایران» رفت‌وآمد کنم. در حالی که در دین اسلام به هیچ عنوان ثروت و صاحبان آن نفی نشده و حتی مورد احترام هم واقع شده‌اند. از این‌رو، تغییر در نگرش‌های گذشته، امروز کاملا احساس می‌شود به‌خصوص طی یک‌سال اخیر و با روی‌کارآمدن دولت یازدهم و تاکید این دولت بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی بسیاری از گروه‌های مخالف تغییر موضع داده‌اند. اخیرا در کمیسیون اقتصادی مجلس شاهد این تغییر در گفتار و باور نمایندگان بوده‌ام که باید به فال نیک گرفته شود.

دیدگاه‌های مجلس‌نشینان بر چه مبنایی است؟ می‌توانید به برخی شنیده‌های خود اشاره کنید؟

اخیرا در چندجلسه هم‌اندیشی در کمیسیون اقتصادی مجلس پیرامون بررسی مسایل اقتصادی و راهکارها شرکت کردم و گفته‌هایی از برخی چهره‌های مجلس شنیدم که تا پیش از این هرگز نشنیده بودم و تازگی داشت. اینکه تصمیم‌گیران ما در مجلس به صراحت اذعان می‌کنند ایران نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد و باید مسیر ورود و جذب سرمایه‌ها را فراهم کرد. این در حالی است که گروه‌های مخالف ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور تا پیش از این به‌شدت در مقابل این ایده می‌ایستادند اما در برهه کنونی متوجه شده‌اند راهی را باید رفت که دیگر کشورها مانند ترکیه و امارات از سال‌ها پیش رفته‌اند و امروز میوه شیرین آن را برداشت می‌کنند.

چه موانعی پیش‌روی ورود سرمایه‌گذاری خارجی به ایران است و چه برخوردهایی شد تا آنهایی هم که آمده بودند خروج از ایران را ترجیح دهند؟ به طور مصداقی اگر مواردی هست را بیان کنید

یکی از مهم‌ترین دلایل خروج سرمایه‌گذاران خارجی و عدم حضورشان در ایران، سختگیری‌هایی بود که برای صدور ویزا در داخل می‌شد. حتی تشریفات صدور روادید برای سرمایه‌گذارانی که خواهان ورود به ایران بودند سه‌تاچهارماه به طول می‌انجامید و عملا فرصت رقابت و استفاده از حضور در ایران را از دست می‌دادند. در حال حاضر این مشکلات تا حدودی برطرف شده است. البته هرچه به عقب‌تر بازگردیم به موانع و سختگیری‌های قابل توجه‌تری برمی‌خوریم.

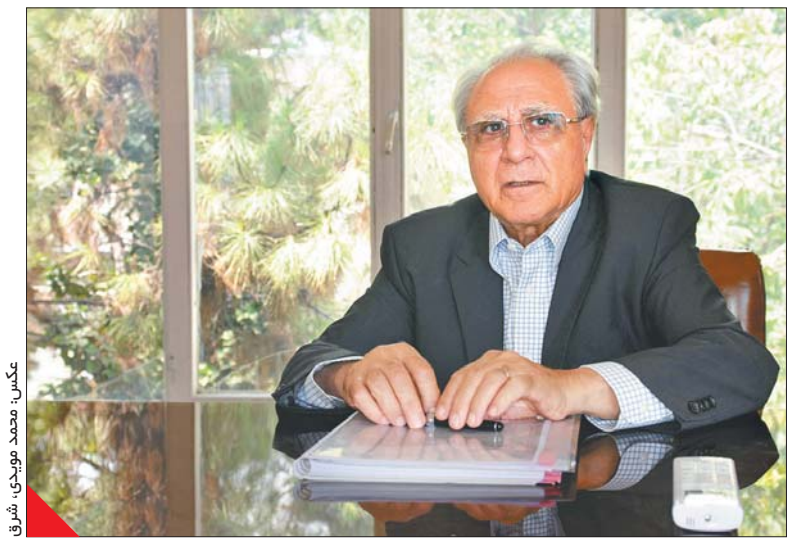

عکس: محمد موحدی، شرق

در دوره فعلی این سختگیری‌ها تا چه میزان تعدیل یافته و آیا نوع برخوردها و مقابله با سرمایه‌گذاری خارجی تغییر کرده است؟

خوشبختانه طی چندسال اخیر تا حدود بسیار زیادی شاهد تغییر رفتار و اصلاح برخوردها و نگرش‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی هستیم.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی، مشابه تمام فعالیت‌های اقتصادی قانونمندی‌های خاص خود را دارد. یکی از این قانونمندی‌ها، تسهیل در ورود و ماندگاری سرمایه‌گذاران خارجی است. در کشورهای دیگر برای جذب و مانایی سرمایه‌گذار خارجی اقدام به برخی گذشت‌ها در قوانین و دستورالعمل‌ها می‌کنند، مثلا در قطر برای ورود سرمایه‌گذار خارجی تا ۵۰درصد تسهیلات بدون بهره در نظر می‌گیرند، یا در ترکیه برای سرمایه‌گذار خارجی معافیت‌های مالیاتی لحاظ می‌شود درحالی که در ایران هیچ معافیتی مازاد بر آنچه که به فعالان اقتصادی داخلی داده می‌شود به سرمایه‌گذار خارجی تعلق نمی‌گیرد. حتی در قانون‌اساسی نیز قید شده که نمی‌توان به خارجی‌ها امتیازات بیشتر داد. بنابراین در ایران بر اساس قوانین فعلی تفاوتی میان سرمایه‌گذار داخلی و خارجی وجود ندارد.

شما بر بازنگری در قوانین مربوط به جذب سرمایه‌گذاری خارجی اصرار دارید. همین‌طور است؟

حتما نیاز به بازنگری و ایجاد شرایطی بهتر برای سرمایه‌گذاران احساس می‌شود. اگرچه در قانون‌اساسی و بخش‌هایی که مرتبط با موضوع جلب سرمایه‌گذاری خارجی است بندها و مفاد به‌روز شده و کمک‌کننده وجود دارد اما متاسفانه تفسیرهای اشتباه از آن صورت می‌گیرد. حالا که دولت و مجلس در دوره فعلی پی به ضرورت جذب سرمایه‌گذار خارجی برده‌اند، این نیاز جز با لحاظ‌کردن برخی امتیازها و تمهیدات خاص برطرف نمی‌شود و اگر مسوولان دولتی قصد دارند رشد اقتصادی ایران را به هشت‌درصد برسانند، این امکان جز با ورود و به‌کارگیری سرمایه‌گذاران خارجی به کشور به دست نمی‌آید.

در داخل کشور دستگاه‌ها و مراکزی برای پیشبرد اهداف مربوط به افزایش ورود سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد که از آن جمله شورایعالی ایرانیان خارج از کشور است. آیا چنین مراکزی توانسته‌اند در مقوله رشد جذب سرمایه‌گذاری خارجی گام بردارند؟

شورایعالی ایرانیان خارج از کشور در دولت گذشته؛ فعالیت قابل قبولی نداشت ولی اخیرا این شورا به تکاپو افتاده و متولیان شورا به دنبال آن هستند تا ایرانیان خارج از کشور را متشکل کنند و برای ورود و سرمایه‌گذاری به ایران ترغیب و تشویق شوند. یکی از اقداماتی که صورت گرفته ایجاد شوراهای سرمایه‌گذاری در کشورهایی است که ایرانیان زیادی در آن مقیم هستند که تاکنون این شوراها در کشورهای امارات، روسیه، آمریکا و سوییس راه‌اندازی شده است. یکی از پیشنهادهایی که از سوی انجمن سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایرانی و خارجی مطرح شده این است که از طریق این شوراها شرکت‌های بزرگ با سرمایه ایرانیان خارج از کشور برای ورود به بازار ایران تاسیس شود. مقدمات این کار انجام شده و در حال حاضر ایرانیان مقیم امارات درصدد راه‌اندازی شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند. در ایالات متحده نیز اقدامات خوبی در این زمینه صورت گرفته به طوری که دو هسته بزرگ سرمایه‌گذاری از ایرانیان و آمریکایی‌ها در کالیفرنیا و نیز در نیویورک در حال شکل‌گیری است.

سرمایه‌داران بزرگ ایرانی نیز در این شوراها حضور دارند؟

دو تا سه سرمایه‌گذار بزرگ ایرانی که ما علاقه داشتیم حضور داشته باشند برای ورود به شورا ابراز علاقه کرده‌اند. اگرچه هنوز از سوی این افراد نظر مساعدی برای سرمایه‌گذاری در ایران اعلام نشده، اما کافی است آنها ترغیب شوند که به ایران سفر کنند و از نزدیک با ظرفیت‌های بالای سرمایه‌گذاری در کشور آشنا شوند آنگاه پی خواهند برد که فعالیت اقتصادی در ایران به نفع آنها خواهد بود.

سرمایه‌گذاران آمریکایی چطور؟ آیا راه برای ورود آنها به بازار ایران وجود دارد؟

سرمایه‌گذاران آمریکایی از سوی دولت این کشور برای ورود به ایران منع شده‌اند، در عین حال که سرمایه‌گذار آمریکایی نمی‌تواند ویزای ورود به ایران را بگیرد مگر آنکه گذرنامه بین‌المللی داشته باشد. به هر حال این مورد نیز قطعا حل خواهد شد و باید نسبت به توافق هسته‌ای خوشبین بود؛ همان‌طور که تا چنددهه پیش سرمایه‌گذاران آمریکایی و چینی برای حضور در دو کشور منع بودند، اما در حال حاضر این دو کشور نزدیک‌ترین شرکای تجاری هم هستند.

به نظر می‌رسد ابتدا ظرفیت جذب سرمایه‌گذار ایرانی مقیم و همچنین کارآفرینان خارجی در ایران باید وجود داشته باشد تا شاهد حضور آنها در بازار و اقتصاد کشور باشیم.

این ظرفیت به شکل قابل قبولی وجود دارد. جذب سرمایه‌های خارجی برای اقتصاد ایران بالغ بر ۵۰میلیارددلار است. اگرچه از صدور مجوزها و تمدید برخی از قراردادها پیداست که کل حجم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران فراتر از ۷۰۰ تا ۸۰۰میلیون‌دلار نیست و فاصله و گپ چشمگیری میان ظرفیت سرمایه‌گذاری و آنچه که اتفاق افتاده وجود دارد. به هر حال تا زمانی که امکانات و ابزار این جذب وجود نداشته باشد، نمی‌توان نسبت به تحقق این آمار خوشبین بود.

در انجمن سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایرانی و خارجی که مسوولیت آن برعهده شماست، چه خبر است و روند مشارکت سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی در بنگاه‌داری قابل توجه هست یا خیر؟

این انجمن نیز در مسیری که بر اساس آن تشکیل شده حرکت می‌کند و خوشبختانه آخرین آماری که داریم نیز حاکی از رشد درخواست‌ها و صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری است. تعداد شرکت‌های مشترک ایرانی و خارجی که در ایران به ثبت رسیده بالغ بر ۱۲۰شرکت است که رقم‌های سرمایه‌گذاری خارجی در اینها مختلف است و از ۳۰۰هزاردلار تا چندمیلیون‌دلار در آن دیده می‌شود. کل سرمایه‌گذاری‌هایی نیز که میان بخش خصوصی ایران و طرف‌های خارجی به صورت FDI در کشور صورت گرفته از ابتدای انقلاب تاکنون رقمی در حدود ۳۰ تا ۴۰میلیارددلار بوده است. روند تقاضا برای ورود سرمایه‌گذار خارجی طی ماه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای افزایش یافته به طوری که در حال حاضر ۲۲ پرونده در انجمن در حال بررسی است و برخی از این پرونده‌ها مربوط به تمدید مجوز سرمایه‌گذاری می‌شود.

در چه دوره‌ای ورود سرمایه‌گذاری خارجی در قالب FDI به ایران بیشتر بوده است؟

در دوره کنونی بیشتر است. در زمان دولت سازندگی به‌طور متوسط ما در انجمن سالی سه‌مرتبه جلسات مشترک برای بررسی درخواست‌های سرمایه‌گذاری داشتیم اما در حال حاضر هر ماه یک جلسه تشکیل می‌دهیم. سال ۹۳ تعداد جلسات ما بسیار بیشتر بوده است اما بالاترین حجم سرمایه‌گذاری مشترک که در انجمن به ثبت رسیده، دوسال پیش رقم خورد که میزان آن چهارمیلیاردو ۲۰۰میلیون‌دلار بود.

به تازگی در سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران تغییر و تحول مدیریتی رخ داد و آقای محمد خزایی به جای آقای علیشیری عهده‌دار این سازمان شده‌اند. این جابه‌جایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای خزاعی قبل از آنکه به سازمان ملل برود؛ همین سمت را در دولت عهده‌دار بود از این‌رو، ایشان فردی آشنا به محیط سرمایه‌گذاری خارجی است و زیروبم‌های این بخش را به‌خوبی می‌داند و چون وی به مدت چندسال مسوولیت نمایندگی ایران در سازمان‌ملل را نیز برعهده داشتند، افراد زیادی را در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شناسند که امروز امتیازی برای وی در سمت جدید محسوب می‌شود. در عین حال طرف‌های خارجی نیز از آقای خزاعی شناخت دارند و این می‌تواند به بهبود وضعیت جذب سرمایه‌گذاران در ایران کمک کند و در واقع ارتباط‌های بین‌المللی وی می‌تواند کمک‌کننده‌باشد.

نگاه

دبیرکل اتاق بازرگانی «اکو»:

درآمد گردشگری سلامت به نیم‌میلیارددلار رسید

● **شرق:** از چهارسال گذشته تاکنون درآمد حاصل از گردشگری سلامت، چهاربرابر شده و به نیم‌میلیارددلار رسیده است. بر اساس برآوردها، چهارسال پیش درآمد گردشگری سلامت در ایران پنج‌برابر صادرات تجهیزات پزشکی و دارو بوده که این رقم امروز به ۱۰ برابر افزایش یافته است.

محمدرضا کرباسی دبیرکل اتاق بازرگانی اکو ضمن بیان این مطلب و با اشاره به ارزآوری صنعت گردشگری در شرایط کنونی، خاطرنشان کرد: هر گردشگر سلامت به‌طور میانگین پنج تا ۱۰هزاردلار ارز وارد کشور می‌کند و این درحالی است که در کنار هزینه‌های درمانی برای سایر بخش‌ها مانند مراکز خرید، مراکز تفریحی و سایر صنایع نیز رونق به وجود خواهد آورد. وی در جمع خبرنگاران گفت: در سال ۲۰۱۲ پنجاه‌وپنج‌میلیون گردشگر وارد کشورهای اکو شده که از این رقم، چهارمیلیون‌نفر وارد ایران شده‌اند در این میان ایران و ترکیه در بین کشورهای عضو اکو توانایی ارایه خدمات بهداشتی -درمانی به گردشگران را دارند. کرباسی همچنین به حجم تجارت میان کشورهای عضو اکو در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد و گفت: مبادلات تجاری این کشورها میان خود، ۱۰/۳ درصد حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۱۲ بوده که رقمی معادل ۸۴میلیارددلار برآورد شده اما این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۷۰میلیارد دلار کاهش یافته است. دبیرکل اتاق بازرگانی اکو در پاسخ به این پرسش مبنی‌براینکه یکی از موانع گردشگران سلامت برای ورود به ایران ویزا است که قرار بود ویزای سلامت با سرعت و سهولت بیشتری برای این افراد صادر شود و موضوع به کجا رسید، گفت: از چهارسال گذشته که بحث گردشگری سلامت شروع شد با همت وزارت خارجه، ویزای گردشگری طراحی شد که تسهیلاتی را برای بیمارانی که مایلند برای درمان به ایران مراجعه کنند، فراهم می‌کرد و حتی هزینه‌های این ویزا به‌مراتب پایین‌تر از ویزای گردشگری بود. وی به آمار وزارت امور خارجه گفت: سال گذشته طی مصوبه‌ای در این وزارتخانه، ۱۰هزار ویزای سلامت برای بیماران از طریق نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر صادر شده بود اما به دلیل مشکلات خاص امنیتی با بعضی کشورها، در تلاش هستیم تا موانع را با دیگر مجموعه‌های داخلی برطرف کنیم تا ویزای سلامت با سهولت بیشتری صادر شود.